

رودخانه ارس

و

رویدادهای تاریخی

اطراف آن

آیت الله العظمی

موسس
کتابخانه مدرسه مطهریه

بقلم

رحیم هویدا

« دکتر در جغرافیا »



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

رودخانه ارس

و

رویدادهای تاریخی اطراف آن

مقدمه - رودخانه ارس که اینک بهمت و تدبیر والای شاهنشاه آریامهر آبهای جوشان و خروشان آن که هزاران سال بهدر میرفت با ایجاد سد عظیم ارس مهار میشود تا سواحل زرخیز خود را آبیاری و کمک شایانی به اقتصاد مردم و آبادانی ایران عزیز نماید مرز بین خاک شاهنشاهی ایران و دولت اتحاد جماهیر شوروی است^۱ و بدین جهت دارای کیفیت بخصوصی بوده برای مساهمیت تاریخی، سیاسی و اقتصادی دارد و شناختن هرچه بیشتر این رودخانه تاریخی برای مساهمیت ضروری است زیرا کمتر رودخانه‌ای در کشور ما



بقلم

رحیم هویدا

(دکتر در جغرافیا)

۱- قبل از عقد عهدنامه گلستان و ترکمنچای (پنجم شعبان ۱۲۴۳ ق.ه) ارس در خاک شاهنشاهی ایران جاری بود.

شاهد و ناظر حوادث تاریخی بیشماری این چنین در قرب و جوار خود بوده است که ماسمه‌ای از آنرا در اینجا توضیح میدهیم .

این رودخانه بطول ۹۵۰ کیلومتر با ۱۰۰/۲۲۰ کیلومتر مربع آبریز یکی از دوزه ۲ آب منطقه آذربایجان شرقی است که آبهای مناطق قابل ملاحظه‌ای را از ماکو تا مغان و حدود تازه کند (که در آنجا ارس قوسی زده و بخاک شوروی وارد میشود) در خود گردآوری می‌کند و بدریای مازندران میریزد .

رودخانه مدرک تپه

رودخانه ارس از دوشاخه مجزی تشکیل میشود. یکی از آنها از ارتفاعات ترکیه موسوم به مین گول داغ یا بین گول داغ (هزار بر که) بارتفاع ۳۱۵۲ متر در جنوب ارضوم نزدیک سرچشمه فرات سرچشمه می‌گیرد و ابتدای طرف شمالغربی و بعداً به طرف شمالشرقی متوجه میشود و از جنوب و مشرق و شمالشرق کوهی بنام پالان توکن داغی بارتفاع ۳۱۳۵ متر که در جنوب ارضوم واقعست میگذرد و پس از گذشتن از مشرق حسن قلعه بطرف مشرق متوجه میگردد و از جنوب ارتفاعات قارص و شمال کوههای آرات بزرگ با جذب شاخه‌های متعددی جریان پیدا میکند و وارد جلگه ایروان در خاک ارمنستان شوروی میگردد .

شاخه دیگر آن از ارمنستان شوروی سرچشمه میگیرد . این دوشاخه در محل معروف به زنگنه واقع در منتهی‌الیه شمالغربی ایران بهم تلاقی مینماید که نقطه تلاقی مرز مشترک ایران و شوروی و ترکیه را تشکیل میدهد . از آن پس رودخانه ارس مرز مشترک ایران و شوروی را تا محلی بنام بهرام تپه تشکیل میدهد .

طول ارس از سرچشمه تا محلی که بدریامیریزد ۱۰۷۲ کیلومتر است و در مسیر خود یک شیب ۷۸۷ متری را در فاصله ۵۰۰ کیلومتر می‌پیماید -

۲ - زه دیگر رودخانه قزل‌اوزون است که پس از وارد شدن به تنگه منجیل سفید رود نامیده شده و به دریای مازندران میریزد .

به همین جهت عرض و عمق این رودخانه در طول مسیر خود بسیار متفاوت است مثلاً در نزدیکی پلدشت عرض آن در حدود ۹۰ الی ۱۰۰ متر بوده و گودی آن بدو متر میرسد.

در حدود جلغا قریب ۳۰ متر پهنا و چهار متر عمق دارد و با آرامی جاریست ولی از جلغا تا حدود اصلاندوز که بین قراداغ (ارسباران) و قراباغ جاریست از یک معبر کوهستانی میگذرد و از دره ای بدنه دیگر خروشان و با شدت وحدت بیشتری پیش می رود و عرض آن در این مناطق کم بخصوص در نزدیکی قریه قولان از محال دزمار ارسباران به تنگ ترین مجرای خود که در حدود ۱۰ متر میباشد میرسد و باغرش زیادی حرکت میکند .

در قسمت های سفلی بخصوص در ملتقای رودخانه دره رود عرض آن گاهی به دو یست متر میرسد ولی از محلی بنام محمد رضالو بطرف مشرق که آبادی ساری تپه واقع شده است شیب رودخانه ملایم بوده صدائی از آن شنیده نمیشود و خاموش و آرام پیش می رود تا هزاران خاطرات تلخ و شیرین حوادث تاریخی قرب و جوار خویش را در دریای مازندران بودیعت گذارد . ارس در طول مسیر خود که از دشت مغان میگذرد از جلگه هموار و مسطحی عبور میکند و چون از خاکهای سستی میگذرد مجرای آن پائین تر می افتد و رسوب زیادی همراه دارد و بالاخره در نزدیکی ده خرابه ای بنام تازه کند قوسی زده و بطرف شمال پیچیده وارد خاک شوروی میشود .

رودخانه ارس بسیار سیلابی است بطوریکه در مواقع آب شدن ناگهانی برفهای سرچشمه آن و یانزول باران زیاد از بستر خود گسترده تر میشود و زمینهای اطراف را فرا میگیرد و سیلهای مهیبی جاری میشود و خسارات و خرابیهای زیاد وارد میآورد .

دفع کتابخانه مدرسه لینه ل

مسیر ارس اکثراً کوهستانی و غیر قابل کشتیرانی است ولی در بعضی مناطق که عرض رودخانه بیشتر و شدت جریان آن کمتر است سابقاً برای

عبور و مرور از کلکهای محلی بنام پله^۳ استفاده میکردند که فعلاً متروک شده و تردد صورت نمیگیرد و گذرگاههایی را که از آن به آسانی میتوان گذشت اولوم Ouloum مینامند .

آب این رودخانه بغیر از فصل پائیز همیشه گلآلود و قرمز رنگ بوده در پائیز صاف است .

حداکثر میزان آب بهاره رودخانه ۱۱۰۰ متر مکعب در ثانیه در سد ارس (محل قزل قشلاق) و ۱۶۰۰ متر مکعب در ثانیه در محل سد انحرافی میل و مغان است .

حداقل دهش رودخانه در سد ارس (محل قزل قشلاق) ۳۲ متر مکعب در ثانیه و در محل سد انحرافی میل و مغان ۱۸۰ متر مکعب در ثانیه و دبی^۴ متوسط رودخانه در حدود ۲۵۰ متر مکعب در ثانیه در محل سد ارس (قزل- قشلاق) و در حدود ۴۰۰ متر مکعب در محل سد انحرافی میل و مغان است . دبی ثابت رودخانه پس از اتمام ساختمان و بهره برداری ۱۹۰ متر مکعب در هر ثانیه در تمام فصول آبیاری تثبیت میشود. کم آبترین مواقع سال رودخانه در آخر تابستان و اوائل پائیز است.

عمق متوسط ارس ۲/۵ متر و در برخی جاها از نیم متر تجاوز نمیکند و در پاره‌ای نقاط چهار متر است.

رودخانه ارس پس از آنکه از خاک مغان داخل قره داغ قفقازیه شد تا نزدیکی قریه پطروپاولفسک پیشرفته و در جسر جواد رود کور یا کوروش که از کوههای شمالغربی تفلیس میآید بآن ملحق میشود و بعداً بطرف جنوب شرقی متوجه گشته و در محلی بنام سالیان بسو شعبه تقسیم میشود

۳ — کاک یا پله را از چوب یا نی بهاری مانند سدمسطحی درست کرده و بزیر آن چند پوست گوسفند و یا بز که با باد پر میکنند می‌بستند و شخص مادرورزیده‌ای روی آن نشسته بوسیله پارو پله را که حامل بار یا مسافر بود به آن طرف رودخانه در ازاء مبلغی هدایت مینمود .

۴ — مقدار آبی که در یک ثانیه از یک نقطه رودخانه عبور میکند .

که یکی در شمال خلیج قزل آغاج وارد دریای خزر و شعبه دیگر آن بخود خلیج قزل آغاج وارد میشود .

در رودخانه ارس جمعاً ۸۰۵ جزیره بزرگ و کوچک وجود دارد که باصطلاح محلی آنها را «شام» میگویند و طبق قراردادی که اخیراً توسط هیأت مرزی ایران و شوروی بتصویب رسیده ۴۲۷ جزیره بایران و ۳۷۸ جزیره دیگر باتحاد جماهیر شوروی تعلق گرفته است و حدود رودخانه نیز چون دائماً تغییر میکند بوسیله میله گزاری مشخص شده است .

این جزایر بزرگ و کوچک که خالی از سکنه است در مواقع طغیان ارس زیر آب رفته و پس از فروکش کردن آب رودخانه دوباره ظاهر میشود. این جزایر فقط برای تعلیف اغنام و احشام بکار میرود و پس از مهارشدن آب ارس و اتمام سد نیز زیر آب نخواهد رفت و چرا گاه خوبی برای اغنام و احشام ساکنین اطراف رودخانه خواهد بود.

رودخانه‌هایی که از جانب ایران بارس میریزد

از داخله خاک ایران رودخانه‌های متعددی از جهات مختلف دره‌هایی بوجود آورده مستقیماً و یا با رودخانه‌های دیگر تشکیل رودخانه بزرگتری داده بهرود ارس می‌پیوندد - برخی از این رودخانه‌ها دائمی و بعض دیگر فصلی است و عده دیگر چون آب آنها در طول مسیر خود بمصرف زراعت کشاورزان قرب و جوار رودخانه میرسد در تابستان آب آن بارس نمیرسد ولی در بهار و زمستان آبهای آنها روانه ارس میشود. در اینجا هم اینگونه رودخانه‌ها را ذکر می‌کنیم

۱- رودخانه ماکو یا زنگمار

رودخانه‌ها که از اجتماع سه رودخانه ساری سوو آواجیق و زنگمار تشکیل میشود، رودخانه ساری سوازدامنه جنوبی رشته آرات ازاراضی باتلاقی سر- چشمه گرفته و وارد خاک ایران میشود و بالاتر از ماکو در اثر برخورد بیک

تپه آتشفشانی قدیم بدو شعبه تقسیم شده رشته اولی پس از طی مسافتی وارد رودخانه آواجیق ورشته دومی نیز پس از حرکت بشمالشرق نزدیک تپه‌های موسوم به پورناک وارد زنگمار میگردد.

رودخانه آواجیق از ارتفاعات موسوم به چینی داغ در سرحد ایران و ترکیه سرچشمه گرفته پس از عبور از رشته‌های آهکی وارد ماکو میشود.

رودخانه زنگمار نیز بنوبه خود از دورود رودخانه باسامی قرخ بلاغ و قزلچای تشکیل میشود و این رودخانه از یک بستر سنگی بسیار تنگی بصورت تنگه بنام زنگمار بطرف ماکو جریان دارد و بهمین جهت بنام زنگمار نامیده میشود و در حدود قلعه جوق وارد شهر ماکو شده و پس از پیوسته شدن رودخانه‌های ساری سو و آواجیق از شهر ماکو گذشته مجدداً داخل بستر عمیق سنگی میگردد و پائین تر از ماکو شعبه دیگری از ساری سو بآن پیوسته بجریان خود ادامه میدهد و پس از طی مسافتی در محلی بنام پلدشت (عربلر سابق) در شمالغربی نخبجوان بروودخانه ارس میریزد. داخل بستر سنگی زنگمار در طرفین رودخانه حفره‌های بزرگی وجود دارد که در صورت سقوط انسان و یا حیوان خطرناک است. *تاریخ قلمرو علوم مرزی*

در پلدشت رودخانه دیگری بنام قوه سواز دامنه‌های شمالشرق رشته آراغات سرچشمه میگردد و بالاتر از زنگمار در مغرب دشت پلدشت بارس وارد میشود.

۴- آق چای

آق چای از دو شعبه تشکیل میشود یکی رودخانه قنور که از کوه‌های مرزی ترکیه سرچشمه میگردد و پس از عبور از دره باریک و شیب‌دار قنور بهمین نام خوانده شده و از سمت جنوبی خوی گذشته و در قسمتهای پائین خوی رودخانه‌های قزل چای و زوزچای بدان می‌پیوندند و پس از آن بنام آق چای خوانده میشود و سپس قوسی زده بطرف شمال می‌پیچد و هدتی در کنار جاده جدید سنتو جریان پیدا میکند و بعد بطرف شمالشرق منحرف میگردد و با جاده تقاطع نموده در مغرب جلفا بارس میریزد.

آب آق چای بخصوص در مواقع پرآبی قابل توجه بوده و پهنای آن در برخی نقاط به یکصد متر میرسد.

۳- دوزال چای

رودخانه دوزال از شمال ارتفاعات ایری داغ (کوه بزرگ) با ارتفاع ۲۸۰۰ متر که دامنه جنوبی آن مشرف به جلگه تبریز است سرچشمه میگیرد و در قسمت علیا ایری چای نام دارد و پس از عبور از ده ایری از یک مجرای سنگی میگذرد و از ساحل راست و چپ خود در حدود شانزده رودخانه بزرگ و کوچک مانند رودخانه های جوشن، طرزم، گوره خیل، حاجیلار، کبود گنبد، مرزآباد، قره قیه، کلو، اندر گان، خروانق و غیره بدان می پیوندد و در جاهای مختلف بنامهای گوناگون خوانده میشود و بالاخره در نواحی روستای دوزال بنام آن روستای یعنی دوزال چای موسوم میگردد و در کنار جانب راست روستای نامبرده بارس می ریزد.

دره رودخانه دوزال از لحاظ جغرافیائی و زمین شناسی بسیار دیدنی و قابل مطالعه است زیرا دره های رودخانه های شانزده گانه سابق الذکر بوضع شکفت انگیزی از دو ساحل چپ و راست بسوی دره رودخانه مادر (دوزال) دهان گشوده رسوب و مواد شسته شده در اثر سیلابها و فرسایش طی قرون و اعصار را در بستر این رودخانه فروهشته است و در نتیجه منظره جغرافیائی بسیار تماشائی بوجود آمده است.

رودخانه دوزال در قسمت سفلی چون از زمینهای سست عبور میکند دره بسیار عمیق ایجاد کرده است که گاهی ارتفاع آن تا سی متر میرسد و در نزدیکی قریه دوزال در جائیکه بارس می پیوندد عرض رودخانه تا سیصد متر میرسد در ساحل راست این رودخانه قریه معروف کور دشت و در ساحل چپ آن قریه دوزال قرار دارد و حمدالله مستوفی قزوینی در کتاب جغرافیائی خود بنام نزهة القلوب که بسال ۷۴۰ هجری (۱۳۴۰ میلادی) تألیف نموده بهر دو قریه نامبرده اشاره کرده است.

آب رودخانه در قسمت‌های پائین گل‌آلود است و با شدت بیشتری جریان دارد و در مواقع بهار سیلابی عبور از آن ممکن نیست و همه‌ساله مجرای آن شسته می‌شود و بستری عمیق‌تر پیدا می‌کند.

رودخانه اشتبین Uchtibin

رودخانه اشتبین از اجتماع رودخانه‌های غلق و اورگتین تشکیل می‌شود چون هر سه رودخانه از ارتفاعات پربرف و باران سرچشمه می‌گیرند آب آن نسبتاً زیاد است که در بهار و پائیز مستقیماً بارس میریزد ولی در تابستان باغات اشتبین را مشروب ساخته و ماژاد آن بارس میرسد.

آب این رودخانه صاف و گوار است و در محلی بنام کفش هراس بارس می‌پیوندد.

رودخانه‌های دیگری مانند مردانقم، کوانق و آلاجوجه به رود ارس میریزند رودخانه القنا نیز از ارتفاعات نزدیک اهر سرچشمه می‌گیرد و در دره القنا سرتاسر مجال میشه پاره و حسن آباد را سیر می‌کند و پس از پیوستن با رودخانه‌های متعددی که نام برده شد در حدود آلاجوجه و عاشقلو به رود ارس میریزد.

دره رودخانه القنا نیز بسیار عمیق و طولانی می‌باشد و در طرفین آن جنگلهای زیادی وجود دارد و همیشه پر آب است.

رودخانه کلیر

رودخانه کلیر از ارتفاعات مرتفع کلیر سرچشمه می‌گیرد و پس از پیوستن با رودخانه هائی چند از وسط شهر کلیر می‌گذرد و قسمتی از باغات این شهر را مشروب می‌کند و سپس بسوی شمال ادامه می‌یابد و بتدریج شعبات دیگری بدان می‌پیوندد و بالاخره از کنار آبدیهای عباس آباد و گوژ می‌گذرد و در نزدیکیهای پل خدا آفرین در محاذات رود آکرایا آقرا که

از داخله خاک شوروی بارس وارد میشود بروودخانه ارس میریزد آب آن صاف و در بهار و مواقع نزول نزولات جوی فراوان است.

۶- رودخانه قره سو یا دره رود

رودخانه قره سوز اتصال دورودخانه که یکی از باغرو یا بغروداغ در دامنه شمال غربی طالش و دیگری بنام حاجی محمدچای از دامنه های شمال شرقی بزغوش سرچشمه میگیرند تشکیل میشود و سپس رودخانه های دیگری مانند قوری چای که آنهم از خلخال سرچشمه میگیرد و بالقلی چای معروف که از سبلان جاریست و از اردبیل میگذرد بآن پیوسته و از وسط جلگه اردبیل عبور میکند و دامنه های سبلان را دور زده ورشته اندر آب نیز بدان می پیوندد و پس از طی مسافتی بروودخانه اهر میرسد.

رودخانه اهر نیز از ارتفاعات پیرسقا در مجازات شرقی مرند و کوه های مشگینر که هر دو از سلسله کوه های قراداغ (ارسباران) است سرچشمه میگیرد و پس از عبور از جلگه مسطح اوزمدل Uzumdël و الحاق رودخانه های بزرگ و کوچک متعدد با جاده تبریز- اهر بر خورد می کند و از کنار شهر اهر می گذرد و در خط القعر دره ای واقع بین کوه های ارسباران و قوشه داغ رودخانه های آغ چالی و آوارسی که آنها هم از دامنه های سبلان سرچشمه میگیرند بدان می پیوندد و جریان آن ادامه می یابد و بالاخره در نزدیکی قریه کل لار بقره سو می ریزد.

رودخانه قره سو بطرف شمال ادامه پیدامی کند و رودخانه های دیگری از قبیل مشگین چای و آلی Alli و غیره بدان می پیوندد و پیش میرود و سپس از کنار ارتفاعات خروسالو میگذرد و در قسمت سفلی باشیب نسبتاً ملایم در مجرای وسیعی حرکت نموده و بدره رود^۵ موسوم میگردد، دره رود در یک

۵ - دره رود محلی است که قسمتی از جنگهای بابک و قشون المعتصم خلیفه عباسی در اطراف آن بوقوع پیوسته است.

بستر عمیق و عریضی از امتداد جاده مشکین بمغان گذشته در حدود اصلاندوز
بارس میریزد.

آب رودخانه در بهار و مواقع نزول باران فوق العاده زیاد و عبور و
مرور غیر ممکن است و عرض رودخانه در مصب در حدود یک کیلومتر است
سطح حوزه آبریز قره سو در حدود -/۱۲۰۰۰ کیلومتر مربع است.
رودخانه های دیگری هم از سمت قرا باغ و قفقاز شوروی وارد ارس میشود
که اهم آنها عبارتست از زانگا، آریچای، رودخانه نخجوان و رودخانه زنگلان
و موشولان و آکراچای و بسیاری رودخانه های دیگر.

پلهای رود ارس

رودخانه ارس بلحاظ وقوع آن بین آذربایجان و قفقاز و ارمنستان از
دیرباز اهمیت سوق الجیشی و تجارتنی داشته و در تمامی ادوار تاریخی مورد
استفاده قوای مهاجم بوده است و لشکریان طرفین متخصصین بطور متواتر و
متوالی از اینسوی رودخانه با آنسوی و بالعکس گذشته اند و بنابراین برای
عبور و مرور لشکریان و قوافل تجارتنی پلهای متعددی ضروری می نموده
است که فعلا جز یکی (پل خدا آفرین) از آنها اثری دیده نمیشود و پلهای
دیگر تازه ساز است و از خلال سطور تواریخ چنین مسلم میگردد که در مواقع
قشون کشی پلهای مزبور را بدستور یکی از طرفین متخصصین خراب کرده اند
تا مورد استفاده دیگری قرار نگیرد چنانچه در زمان جنگ ابوسعید با
اوزون حسن هنگامی که ابوسعید با لشکریان زیاد متوجه قرا باغ میشود و
بدره ارس فرود می آید اوزون حسن برای اینکه بر مشکلات دشمن افزوده
شود بشیر و انشاه فرخ یار دستور میدهد پلهای رودخانه ارس را ویران سازد و
فروش غله را بلشکریان ابوسعید مانع شود (حدود سال ۸۶۷ هجری)

همچنین در زمان ایلخانیان چون سلطان احمد بن سلطان اویس ایلکانی
سلطان حسین نام را در تبریز کشت برادر دیگرش بایزید گریخت و بسلطانیه

رفت و به عادل آقا حکمران آنجا پناهنده شد و عادل آقا ویرا پناه داد و سپس با سپاهی بسیار عازم تبریز شد و چون سلطان احمد تاب مقاومت نداشت هزیمت اختیار کرد و عادل آقا به تبریز رسید و دو نفر بنام عباس آقا و مسافر را حاکم مرنند نموده و قرابسطام را بکنار آب ارس فرستاد تا پل ضیاء الملک را محکم سازد و سپس در آنجا رحل اقامت افکند. چنانچه مرقوم افتاد پلهای بسیاری خراب و از بین رفته است چنانکه پل ضیاء الملک^۶ معلوم نیست در کدام قسمت بوده و در آخرین قسمت بوسیله چه کسانی خراب شده است و بطور مسلم غیر از پل خدا آفرین تا تاریخ ۱۲۷۰ قمری پلی بر روی رود ارس نبوده است زیرا مؤلف مرآت البلدان مینویسد:

« من^۷ خود در شعبان هزار و دو بیست و هفتاد که بمأموریت پاریس میرفتم از جلفا از روی آن گذشتم چون اوائل زمستان بود آب رودخانه قسمتی منجمد بود که از روی یخ عبور کردم در مراجعت در شعبان هزار و دو بیست و هفتاد و سه که اواخر پائیز بود آب یخ نکرده بود با کرجی عبور کردم)

۱- پل خدا آفرین

پل خدا آفرین که در محل معروف خدا آفرین بر روی رودخانه ارس در حدود مغان بنا شده اولین پلی است که بوجود و ساختمان آن در کتب جغرافیای قدیم اشاره شده است چنانکه حمدالله مستوفی در نزهة القلوب بنای آن را به بکر بن عبدالله یکی از صحابه های حضرت رسول اکرم نسبت میدهد که

۶ - حمدالله مستوفی صاحب نزهة القلوب پل ضیاء الملک را در حدود گرگر نوشته است.

۷ - گفته مؤلف مرآت البلدان کاملاً صحیح است زیرا در طول بعضی از زمستانها بمناسبت سرمای فوق العاده دره ارس آب رودخانه یخ می بندد و قبل از انقلاب کبیر ساکنین دهات مجاور ارس که برای داد و ستد بآن طرف رودخانه میرفتند با ملاحظه ردیای روباه در روی قسمت یخبندان رودخانه از آنجا میگذاشتند چون روباه بچریان آب رودخانه گوش فرا میدهد و اگر صدای آب بگوشش رسید از آنجا عبور نمیکند و تشخیص میدهد که یخ رودخانه نازک و احتمال خطر شکستن یخ دارد و اگر صدای آب رودخانه بگوشش فرسید مسلم است که ضخامت یخ زیاد است و میتوان از آنجا گذشت.

بسال پانزده هجری ساخته است: (پل خداآفرین بر آب ارس در آن حدودست . بکربن عبدالله صاحب رسول الله صلی الله علیه و سلم ساخت در سنهٔ خمس- عشر هجری) .

۲- پلهای جلفا

در جلفا بر روی رودخانه دوپل وجود دارد که یکی پل آهنی معلق است که خط آهن آذربایجان بققاز از روی این پل میگردد و در مشرق شهر جلفا واقعست، طول این پل ۱۰۷ متر و عرض آن ۶ مترمی باشد و میتواند وزن دولو کوموتیو را با ۵۰ واگن حامل بار تحمل نماید. این پل اخیراً بلحاظ ورود مال التجارهها از طریق شوروی بوسیله راه- آهن اهمیت بخصوص را حائز شده و شبانه روز قطارهای حامل بار از روی آن میگردد پل دیگر در جلفا پلی است که مسافران و اتوموبیلهای باری و سواری هنگام رفت و آمد از روی آن میگذرنند.

۳- پل پلدشت

این پل ^۸ در محل معروف عربلر که فعلاً پلدشت نامیده میشود تقریباً در محاذات شهر معروف نخجوان قرار گرفته و پل نسبتاً معظمی است که دروازه‌های آن همیشه بسته است و فقط در مواقع ضروری و تردد مأمورین و یا مهمانان دولتین با اجازه قبلی باز و بسته میشود. قسمتی از آن نیز هنگام طغیان ارس در سال ۱۳۳۱ خراب شده بود که بعداً مرمت شده است .

ارس از لحاظ تاریخی

رودخانه خروشان و سرکش ارس ازدورانهای بسیار دور شاهد وقایع تاریخی بسیار و ناظر حوادث سهمگین بی شمار اقوامی بوده است که در قرب و جوار آن سکونت داشته‌اند که دست تپاول روزگار بر هستی آنان قلم بطلان کشیده

۸ - خرابی‌های پل دیگری پائین تر از پل پلدشت نیز بچشم میخورد

وازانان جز بر صفحات تاریخ و یا کتیبه های مکشوفه از زیر خاک نام و نشانی باقی نمانده است.

رودخانه ارس بنا بعقیده مستشرقین همان دایمیای معروفست که در کتاب مقدس اوستا بدان اشارت رفته است و بنا بر روایت کتاب نامبرده زرتشت در نزدیکی آن تولد یافته و شهر باستانی آرتا کسانا کنار این رود یادریکی از جزایر آن واقع بوده است .

در کتب جغرافی نویسان قدیم و تواریخ بمناسبتی ذکر می از این رودخانه نام برده شده و بدان اشارت رفته است .

نام ارس در نزد یونانیان آراکس Arax بود و جغرافیون عرب آنرا ارس نوشته و در قدیم آراسک مینامیده اند.

لسترنج در کتاب سرزمینهای خلافتهای شرقی صفحه ۱۹۱ چنین مینویسد: (دو رودی که ایالت اران را از دو جانب در بر میگردد نزد یونانیان بنام آراکس و « سیروس » معروف بود ولی اعراب آن دورود را نهر ارس (ارس) و نهر الکر (بارودخانه کر) نامیدند) .

همچنین در صفحه ۱۹۹ مینویسد (ایالت اران در مثلت بزرگی در ملتقای دورود سیروس و آراکس واقعست که اعراب (کر) و (ارس) گویند .

یعقوبی صاحب کتاب البلدان ترجمه دکتر ابراهیم آیتی درص ۱۴۴ در ذکر شهر تفلیس : اشاره ای بر رودخانه ارس نموده و چنین مینویسد : « تفلیس شهری است در ارمنستان که میان آن و قالیقلا سی فرسخ است و رودخانه های بزرگ از قالیقلا سرچشمه میگردد ، سپس روی بمغرب تا دیبل میرود پس از آن تا اورثان پیش میرود و آنگاه بدریای خزر میریزد و دوم یعنی رودخانه کبیر (کر) از شهر قالیقلا سرچشمه میگردد ، آنگاه تا شهر تفلیس و از آنجا رو بشرق تا بروعه و سرزمین آن جریان دارد پس از آن بدریای خزر نزدیک میشود و بارودخانه ارس بر خورد کرده بیکدیگر می پیوندد و گفته میشود

که پشت سر رودخانه سیصد شهر ویرانست و اینها همانست که خدای متعال داستان آن واصحاب رسی^۹ را ذکر کرده است و حنظله بن صفران را برایشان مبعوث کرد پس او را کشتند و خدای نابودشان ساخت و درباره اصحاب رسی جز این هم گفته اند.

از جمله جغرافی نویسان قدیم حمدالله بن ابی بکر مستوفی قزوینی صاحب کتاب نزهة القلوب بدین رودخانه اشاره کرده است و چنین مینویسد:^{۱۰}
« آب ارس از جنوب بشمال میرود و از کوههای قالیقلا و ارزنة الروم بر میخیزد بولایت آرمن و آذربایجان و اران میگذرد و آب کروه سوخته شده و در حدود گشتاسفی بدریای خزر میریزد».

خواندمیر در حبیب السیر ص ۶۶۳ از جلد چهارم در باب بحار و انهار چنین مینویسد: (نهر ارس از مغرب بمشرق جاری باشد و ابتداء آن از جبال ارمنیه است و آبش بغایت سریع الجریان بود و سلوک کشتی در آن متعسر است بلکه متعذر زیرا که بر کنارش سنگلاخ بسیار است بعضی مکشوف و برخی مخفی و جوی ارس میمنت تمام دارد و هر چند از حیوانات دروی افتد اکثر سلامت بیرون آید .

هزاره اول قبل از میلاد

قسمت اعظم سرزمین ماد در جنوب رود ارس واقع بوده و پادشاهی عظیم ماد در جوار این رودخانه خروشان تشکیل یافته است :

«ماد همچون سرزمینی تاریخی و بمفهوم وسیع این کلمه در عهد باستان اراضی را که از سمت شمال برود ارس و قله های البرز (در جنوب دریای خزر)

۹ - سوره فرقان آیه ۳۸ سوره ق آیه ۱۲

۱۰ - حمدالله مستوفی در قرن هشتم آنها میان دو رود ارس و کر را اران دانسته است و

آنسوی کر را که بخشی از اران میباشد بنام شران میخواند

وازمشرق صحرای شورزار دشت کویر و از مغرب سلسله جبال زاگرس محدود بوده شامل میگشت. تاریخ ماد ص ۱۰۷»

زمانی رودخانه ارس حدفاصل در زمان پادشاهی ماد در هزاره اول قبل از میلاد بوده است :

(باید سرزمین آلبانی^{۱۱} را که رود ارس از ماد جدا می کرد نیز در عهد باستان واجد ارتباط نزدیک با کشور اخیر بدانیم تاریخ ماد صفحه ۱۲۴)

بین رودخانه ارس و دریاچه ارومیه نژادهای هوریانی و اورارتوئی سکونت داشته اند که فعلا جز برخی آثار نشانه ای از آنها دیده نمیشود :

«در نواحی جنوبی ماد «درالی پی» که بمعنای بسیط کلمه جز و مفهوم «مادای» شمرده میشد و در ناحیه کاریان و غیره «نژاد عیلامی و کاسی رل مهمی بازی میکرده برعکس در اقصای شمال میان ارس و ارومیه و همچنین در کرانه غربی آن دریاچه محتملا نژاد هوریانی اورارتو توفوق داشت. تاریخ ماد ص ۲۸۲»

سده نهم تا هفتم قبل از میلاد

قلمرو دولت اورارتو از مشرق بمغرب حوضه رود کورا و ارس تاملتقای دو شعبه از رود فرات و از شمال بجنوب سرزمینهای بین دریاچه گوگچه و ارومیه بوده است :

«مردم اورارتو یا آرات قومی بودند که از سده نهم تا هفتم پیش از میلاد مسیح در ارمنستان کنونی و قسمتی از آناتولی (شرقی) و آذربایجان و قفقاز سلطنت داشته ، قلمرو دولت ایشان از مشرق بمغرب حوضه رود کورا و ارس تاملتقای دو شعبه از رود فرات و از شمال بجنوب سرزمینهای بین دریاچه گوگچه و ارومیه بود . نظری بتاریخ آذربایجان صفحه ۸۰»

۱۱ - یونانیان و رومیان اران را آلبانی و ارانیان را آلبانیان میگفته اند .

در آغاز قرن هفتم قبل از میلاد

قبایل اسکیت‌های صحرا نشین و یا کیمریان در شمال ارس سکونت داشته‌اند:

«ولی در آن زمان ماننا از سمت مشرق محتملا تا جبال کرانه دریای کاسی (خزر) ممتد بود و در آن نقاط اسکیت‌های صحرا نشین و یا «کیمریان» نمیتوانستند مأمن و مسکن بیابند باین طریق باردیگر باین نتیجه میرسیم که در آغاز قرن هفتم (پیش از میلاد) صحرا نشینان در شمال ارس و شاید در نقاط شمالی تر قرار داشتند. تاریخ ماد ص ۳۱۱»

قرن هفتم قبل از میلاد

در قرن هفتم قبل از میلاد يك اتحادیه نیرومند پادشاهی بوسیله یکی از قبایل ایرانی آسیای میانه بین ارس و گنجه وجود داشته است:

«شاید اسکیت‌های اشکیدا که یکی از قبایل ایرانی آسیای میانه را تشکیل میدادند، از طریق معبر دربند وارد قفقاز شرقی شده (احتمالا در جلگه میان کیروف آباد یا گنجه و ارس و پهر تقدیر در نواحی جنوبی تا ارومیه) و در رأس يك اتحادیه نیرومند سیاسی (پادشاهی) که در تاریخ قرن هفتم قبل از میلاد نقش مهمی را بازی کرد، قرار گرفتند تاریخ ماد ص ۳۱۷»

سال ۴۴۰ قبل از میلاد

قدیمترین حادثه تاریخی که در کنار رودخانه ارس اتفاق افتاده و در تواریخ ثبت است مربوط بلسگر کشی آنتیوخوس کبیر یکی از سرداران سلوکی بر علیه آرتیه بازان است، از خانواده آتروپات، میباشد که آرتیه بازان در حین لشگر کشی آنتیوخوس کبیر مجبور شد شرایط صلح او را بپذیرد و دره ارس را با پایتخت آن آرماویر Armavir تخلیه نموده و در آن جا آناخیا را بعنوان فرمانده قشون منصوب نماید «سرحدات آتروپاتن در طی قرون متمادی چند بار تغییر کرده و آن مملکت در زمان آرتیه بازان

Artabazanes که از خانواده آتروپات و معاصر آنتیوخوس سلوکی بود در سال ۲۲۰ ق. م بر آن سر زمین سلطنت داشت به منتهای وسعت خود رسیده است .

در زمان این پادشاه حدود کشور آتروپاتن باراضی پنت Ponte در اطراف یس فاز Phasis یعنی تا گلخید در ماوراء قفقاز میرسیده است. نظری بتاریخ آذربایجان صفحه ۹۹»

اران بکجا اطلاق میشده است؟

اران نام سابق آذربایجان فعلی شورویست که بزبان عربی اران نامیده میشود و یونانیان آنرا آلبانی میگفته اند که : (اران Arān یا ران Ran که بزبان عربی با حرف تعریف الران شده و اران خوانده میشود شکل فارسی نام الوانك Alvānak است که بیونانی آلبانی Albanoi و به سریانی «ارن» و بزبان ایبری رانی Rani گردیده است .

این ایالت در مثلث بزرگی در مغرب ملتقای دورود کور (کر) Cyros و ارس واقع شده و بهمین مناسبت حمدالله مستوفی اراضی بین این دورود را «بین النهرین» نامیده است اران از شمال به رود کور و کوههای قفقاز و از مغرب به آلازان Alazan و از مشرق بدریای خزر و از جنوب برود ارس محدود بوده است . نظری بتاریخ آذربایجان صفحه ۵

سال ۳۳ قبل از میلاد

در جنگی که بین قوای ایسران و روم در نزدیکی تبریز در گرفت آنتونیوس شکست خورد و بفرگریز افتاد پارتیان آنرا تعقیب کردند و در کنار ارس از تعقیب دست برداشتند در این جنگ از رومیان سی و دوهزار نفر تلف شدند و بالاخره آنتونیوس با آرتی و ازده پادشاه ماد در سال ۳۳ ق. م در کنار رود آراکسس Araxes (ارس) ملاقات کرد و با او پیمان دوستی بست .

« سرانجام در جنگ سهمگینی که بین قوای ایران و روم در نزدیکی تبریز فعلی واقع شد آنتونیوس شکست خورد و بفرگ گریز افتاد . پارتیان با شیوه مخصوص خود ایشانرا تعقیب کردند و در ظرف نوزده روز آنان را مورد حمله و تهدید خویش قرار دادند و گروه بسیاری از آنان را بـخـاـك هـلاـك افکندند . و بالاخره در کنار رود ارس از تعقیب آنان دست برداشتند . رومیان در این جنگ سی و دو هزار تن تلفات دادند پس از این فتح فرهاد پیروزی خود را جشن گرفت و نام خویش را بر سکه‌هایی که تمثال آنتونیوس و ملکه کلئوپاترا را داشت و در میان اشیاء غارت شده رومیان پیدا شده بود ضرب کرد و در بهار آینده مجدداً ارمنستان را تسخیر کرد و پادشاه آنرا مغلوب ساخت ، پس از خاتمه جنگ در هنگام تقسیم غنائم جنگی، آرته وازده پادشاه آذربایجان خود را مغبون یافت و با فرهاد چهارم قطع رابطه کرد و در سال ۳۵ ق.م سفیری بنزد مازک آنتونیوس که در اسکندریه مصر مقرر داشت فرستاد و او را بایران دعوت کرد . آنتونیوس برای اینکه شکست خود را جبران کرده باشد نخست به ارمنستان شتافت و ارتا و اسدس پادشاه آن کشور را به جرم خیانت و فرار از جنگ با مکر و حيله اسیر کرد و با آرته وازده پادشاه ماد در سال ۳۳ ق.م در کنار رود آرا کسس (ارس) ملاقات کرد و با او پیمان دوستی بست . نظری بتاریخ آذربایجان صفحه ۱۰۱ »

ناتمام